وقیل هستند ایم حال آنکه خالص وصاف کنند کانیم برای خدای دین وطاعت را
از آمیزش کدورت مانند ریا وسمعت پس مخلصین حال موکده است از فاعل فعل
محذوف ولله ظرف لغو است کما هو الظاهر والدین مفعول به است وقیل حال است از
فاعل غیر عابدین وقیل له ظرف الدین است که مقدم است برای اهتمام قوله ولو
کره الکافرون ای درحالیکه کاره اند کافران قول مذکور ما را یا اخلاص ما را
با عبادت ما را که بغیر اشراک است پس این قول حال است متداخله یا مترادفه
زیرا که کلمه لو مجرد است از معنی شرط ومفعول کره محذوف است أَسْتَغْفِرُ اللّٰه
ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْاِكْرَامِ یعنی در صحیح مسلم از ثوبان وحضرت عائشه رض ودر سنن
اربعه از ثوبان رض فقط ودر معجم کبیر طبرانی از ابن عمر رضی الله عنه ودر کتاب عمل
الیوم واللیله ابن سنی از ثوبان وحضرت عائشه رضی الله عنهما ودر بعض نسخ از حضرت
عائشه رضی الله عنها فقط ودر روایت حضرت عائشه رضی الله عنها استغفار مذکور
نیست مرویست که رسول خدا بعد از سلام استغفر الله را سه بار میخواندند بعد اللهم
انت السلام الی آخره میخواندند بار خدایا توئی سلام بر سبیل مبالغه چون ای توئی
سالم از تغیرات وآفات نه غیر تو یا توئی دهنده سلامت از آفات هرکرا میخواهی
واز تست نه از غیر تو توقع این سلامت هرکس را وهر چیز را تبارکت ای متکاثرة
ومتزاید انعام واحسان تو وقیل معناه تعالیت ای متعالی است صفت تو از
صفات مخلوقات یا ذا الجلال ای مستحق جلال وعظمت وقیل ای منزه از آنچه
لایق نیست والاکرام ای خداوند احسان وقیل بکرم اولیا بانعام واحسان قال
المؤلف [illegible] في المصابيح [illegible] وما يزاد بعد قوله ومنك السلام من نحو واليك يرجع السلام

فحیّنا ربنا

فحیّنا ربنا بالسلام وادخلنا دار السلام فلا اصل له بل هو مختلق بعض القصاص
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ لِيَكُوْنَ مِنْهُنَّ كُلُّهُنَّ ثَلٰثًا
وَّثَلٰثِيْنَ مَرَّةً لیکون است در اکثر نسخ مصححه واصول معتمده وبعض نسخ
صحیحه لیکن است بصیغه جمع ودهمین است ظاهر یعنی در صحیح بخاری ومسلم وسنن نسائی
مرویست از ابو هریره رضی الله عنه که رسول خدا بعد از سلام این تسبیح وتحمید وتکبیر
میفرمودند تا باشد ازین کلمات مذکوره همه آن کلمات سی وسه بار پس کلهن برفع است
هاکم در اکثر روایات است صرح به العسقلانی زیرا که اسم یکون است وثلثا وثلثین
خبر اوست پس هر کلمه ازین کلمات ثلث یازده بار خوانده شود ودر نسخه صحیحه کلهن
بکسر است بر وفق بعض روایات زیرا که تاکید ضمیر مجرور منهن است ای لیکون عدد
المذکورات منهن جمیعهن ثلثا وثلثین ودر روایتی است که بنصب است بتقدیر اعنی
یا یعنی وهو الاظهر درین تقدیر مدرج است از کلام راوی ودر شرح حصن است که اظهر است
که بگوییم تا باشد الحسن سه کلمه سی وسه بار که مجموع آن نود ونه است در اکثر روایات
صریح است درین معنی وقاضی عیاض گفته است هو الاولی زیرا که تصریح بیازده
که در صریح مسلم است در هیچ طریقی از طرق این حدیث نیست مگر در حدیث ابن عمر
نزد بزار مگر اسناد آن ضعیف است انتهی وایضا درین شرح است ثم ان القائل بان
عدد ثلث وثلثین لجمیع الکلمات اختار ان یقول ذلک مجموعا حتی یصیر من المجموع
هذا العدد ورجحه بعضهم للاتیان فیه بواو العطف والذی یظهر ان کلا من الامرین
حسن الا ان الافراد یتمیز بامر آخر وهو ان الذاکر یحتاج الی العدد وله علی کل حرکة لذلک
سواء کان باصابعه او بغیرها ثواب لا یحصل لصاحب الجمع منه الا الثلث والله اعلم کذا
العسقلانی اِحْدٰى عَشْرَةَ اِحْدٰى عَشْرَةَ فَذٰلِكَ كُلُّهٗ ثَلٰثٌ وَ

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)